

همان شبی که مجاهدین شیراز به برازجان رسیدند، همه احرار و صاحب
منصبان برای عرض تبریک و مشورت با یکدیگر اجتماع کردند، ظاهراً همان
شب هم در پایبگی از بوشهر برگشته بود و در صدر مجلس نشسته بود، کازرونی
که از تیت پلید او آگاه بود به او تعارفی کرد و با لحن تمسخر گفت گویا
حضرت تعالی به بوشهر تشریف برده بودید؟

در پایبگی از طرز کلام به مقصود او پی برد و گفت مگر رفتن به بوشهر خلاف
شرع است؟ پله برای دیدن بازاران قدیم خود و استحضار از اوضاع آنجا رفته
بودم.

کازرونی عمداً دروازه از او برگردانید و پس از لحظهای آقا شیخ جعفر
را مخاطب ساخته گفت ورود حضرت آیت الله را تبریک می گویم. لابد آقایان
مجاهدین به میدان تشریف خواهند برد.

آقا شیخ جعفر جواب داد بهمین خیال و تیت از شیراز آمده ایم و پس از
مشورت با آقایان خواهیم رفت.

غضنفر السلطنه گفت عقیدتمن این است آقایان مجاهدین همه در برازجان
ساکن شوند، و این نقطه مهم را بیکو محافظت کنند.

در پایبگی که از بوشهر و شیراز دستور داشت که بین مجاهدین دشتستان
و احرار بر برازجان و ملیون شیراز تخم نفاق و لجاج پراکنده کند و به اندازه قدرت
خود عملیات آنها را خنثی سازد، چنین گفت:

«من پیشنهاد می کنم که آقایان به کلی از رفتن به «چنادرک» سرف نظر
کنند چون در آنجا به اندازه کافی مجاهدین تنگستانی هستند و از اجنبی جلو گیری
می کنند، ولی هر قدر همه مجاهدین بر ازجان که نقطه مهمی است زیادتر باشد
بهرتر است. در بوشهر هم شنیدم که انگلیسیها همین روزها اراده تخلیه بوشهر را
دارند و با ما صلح خواهند کرد در این صورت رفتن آقایان به میدان جنگ

خوش آیند نیست».

مشهدی علی اکبر خردل که در شیراز و اول شب در برازجان در پایبگی
را دیده و فریخته کلمات او شده بود، گفته او را تصدیق کرد.

ولی کازرونی که به مقاصد آنها پی برد از جای برخاست و گفت:

آقایان شیرازی شما که در شیراز از اهالی حساس و وطن دوستانمان گرفته
بنام جهاد بدین جا آمده اید بایستی فوری به رزمگاه بروید و شروع به جنگ
کنید یا هر چه زودتر به شیراز برگردید، چون بایک دل دو دلبر داشتن شرط
اصاف و مردت نیست و توقف شما در برازجان بقدر سرسوزنی بحال مجاهدین تنگستان
و احرار این سامان فائده ندارد. در پایبگی تازه از بوشهر آمده است و شاید در
آنجا جنرال فتول انگلیس را ملاقات کرده باشد که این طور اظهار عقیده
می کند عقیده ثابت و تغییرناپذیر من این است که تنها آقا شیخ جعفر که قائد
روحانی قوم و اهل حرب و طعن هستند وجودشان در برازجان مفید است در اینجا
تشریف داشته باشند و تمام مجاهدین به «چنادرک» برای مدد به تنگستانیها بروند،
و اگر غیر از این رفتار کنند نه تنها خدمتی را انجام ندهد بلکه مرتکب خیانتی
شده اند زیرا که انگلستان و منافقان در آن صورت ما را مسخره کرده خواهند
گفت «بیکدمه در شیراز پول گرفتند و به برازجان رفتند و مشغول خوشگذرانی
شدند» و این قضیه نام بلند شیرازیان را لکه دار می کند. «گفتم فریب در پایبگی
را نخورید که وی پیرمردی مثلون المزاج و لایبالی است غنفر السلطنه هم با
آنکه تیت بدی ندارد محافظه کار است و مراعی مصالح خویش و بهمین سبب من
غیر مستقیم با در پایبگی هم عقیده شده است».

در پایبگی که در موقع سخنرانی کازرونی رخسارش گاه سرخ گل اناری
و گاه زرد کهر بانی میشد تا گه آن از جای برخاست و هفت تیر را از کمر کشید
و لوله آن را جانب کازرونی گرفت ولی انگشت به ماشیه نرسانیده بجای خود